

تحریف نام و نسب مهدی موعود# در جریان های انحرافی فریقین*

محمد شهبازیان**

چکیده

بنا بر روایت‌های موجود میان شیعیان و اهل سنت، نام مبارک حضرت مهدی# (محمد) است و انتساب او به پیامبر | از طریق حضرت فاطمه ÷ مورد پذیرش اکثریت مطلق مسلمانان است. شیعیان همچنین معتقدند که این انتساب از طریق امام حسین × بوده و نام پدر بزرگوار ایشان حسن عسکری است. این درک از معارف مهدوی در گذشته و حال پاسخگویی ادعای برخی از جریان‌های انحرافی درون اهل سنت و شیعه بوده است و ادعای مهدی موعود بودن حضرت عیسی ×، محمد بن عبدالله نفس زکیه، علی محمد شیرازی، احمد اسماعیل و نهفتگی مهدی موعود در نسل خلیفه دوم و عباس بن عبدالمطلب را به صراحت نفی می‌کند. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی در صدد است تحریف صورت گرفته در نام و نسب حضرت مهدی# را نشان دهد و به این نتیجه دست یابد که روایت‌های مورد استفاده برخی از مدعیان با انگیزه‌های فرقه‌ای جعل یا تحریف شده‌اند.

واژگان کلیدی: تحریف، مهدی موعود، جریان‌های انحرافی، شیعه، اهل سنت.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۰.

** عضو گروه مهدویت پژوهشکده علوم اسلامی، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی | ، tarid@chmail.ir

مقدمه

بنا بر روایت‌های موجود میان شیعیان و اهل سنت، نام مبارک حضرت مهدی # (محمد) می‌باشد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۱ ص ۲۸۶؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق: ج ۶، ۴۲) و انتساب امام مهدی # به پیامبر ا از طریق حضرت فاطمه ÷ مورد اتفاق جمیع مسلمانان است (مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ۳۴۶؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ ق: ۳۵). شیعیان همچنین معتقدند که این انتساب از طریق امام حسین × بوده و نام پدر بزرگوار ایشان حسن عسکری است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱ ص ۲۸۸؛ خزاز ۱۴۰۱، ص ۸۴). آنا در این قسمت با گروهی از اهل سنت اختلاف دارند.^۱ مشهورترین نام برای مادر مکرم ایشان نیز «نرجس» ذکر گردیده و فارغ از بحث صحت داستان رومی بودن، قطعا ایشان کنیز بوده و پس از اسارت مسلمان شده‌اند (جهت تفصیل بحث درباره مادر امام زمان # ر.ک. شهبازیان، ۱۳۹۱: ص ۱۱۳). با مطالب ذکر شده تأکید دوباره‌ای بر شخصی بودن مهدویت در برابر دیدگاه نوعی بودن صورت می‌گیرد و تنها می‌توان فردی را با عنوان حضرت مهدی موعود قبول نمود که این خصوصیات را در نام و نسب داشته باشد:

- نام ایشان محمد است.
- از نسل امام حسین × است.
- نام پدرش حسن عسکری است.
- نام مادرش نرگس و کنیز است.

اهل بیت^۲ این مطلب را جهت انکار موعود بودن و ادعای مهدویت برخی از مدعیان، استفاده نموده‌اند؛ به عنوان نمونه مرحوم نعمانی، چگونگی آموزش امام صادق × در مناظره با یاران مغیره بن سعید و محمد بن عبدالله محض را که ادعای مهدویت داشت، روایت کرده که آن حضرت فرمود:

از کوفه به سمت مدینه حرکت کردم و به خدمت ابی عبدالله (امام صادق) رسیدم و سلامش کردم از من پرسید کسی در سفر همراهت بود؟ عرض کردم: آری. فرمود: صحبتی هم می‌کردید؟ عرض کردم: آری، مردی از (مغیره) همسفر من بود. فرمود: چه می‌گفت؟ عرض کردم: چنین می‌پنداشت که محمد بن عبد الله بن حسن همان قائم است و دلیلش این بود که نامش نام پیغمبر و نام پدرش نام پدر پیغمبر است، و من به او در پاسخ گفتم: اگر دلیلت فقط نام است اینک در فرزندان حسین نیز محمد بن عبد الله بن علی است. او به من گفت: این فرزند کنیز است؛ یعنی محمد بن عبد الله بن علی و این فرزند زن آزاد است؛ یعنی محمد بن عبد الله بن حسن بن الحسن. امام صادق فرمود: چه جواب دادی؟ گفتم: جوابی نداشتم که بدهم. فرمود: مگر نمی‌دانید که قائم # فرزند زن اسیر شده است (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۲۹).

با توجه به این روایت، امام صادق × در رد محمد بن عبدالله نفس زکیه از نسب و تبار مادر او بهره برده است که هم او از نسل امام حسن مجتبی است، هم اینکه مادرش هند بنت ابی عبیده بن عبد الله بن ربیعه بن

الأسود بن المطلب ابن أسد بن عبد العزى بن قصى بن كلاب است و زنى آزاده و حر بوده است (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۲۰۶)؛ در حالی که مهدی موعود از نسل امام حسین × بوده و مادرش کنیز است.

با توجه به صراحت روایت‌های موجود، این موضوع از مواردی است که مورد تحریف در جریان‌های انحرافی واقع شده و تلاش گردیده تا نام و نسب مهدوی موعود مطابق با عقاید فرقه‌ای تغییر یابد. در این میان برخی از فرقه‌ها از میان عامه (اهل سنت) بوده و برخی دیگر از خاصه (شیعیان) هستند.

پیشینه تحقیق

در مورد نام و نسب حضرت مهدی × می‌توان به کتاب‌های مختلفی اشاره نمود. در زمینه نقد روایت‌های مورد استفاده در جریان‌های انحرافی می‌توان به کتب اهل سنت مانند: عقد الدرر، البیان فی اخبار صاحب الزمان اشاره نمود. در میان شیعیان نیز به کتبی مانند: بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت اثر مهدی اکبرنژاد، پژوهشی در زمینه جعل و تحریف روایات مهدوی، اثر سید جعفر صادقی می‌توان اشاره نمود. مقالاتی مانند بررسی سندی فقه الحدیثی روایت «لا مهدی الا عیسی بن مریم» در منابع روایی اهل سنت، مقاله بررسی سندی فقه الحدیثی احادیث دلالت‌کننده بر انتساب مهدی موعود # به عباس بن عبدالمطلب در منابع روایی اهل سنت از فرشاد منائی و مجید معارف، مقاله تبارشناسی حضرت مهدی # و مقاله پاسخ به دو شبهه اثر عزالدین رضانژاد و مقاله آیا نام پدر حضرت مهدی # عبدالله است؟ مندرج در سایت ولی عصر # را نیز می‌توان نام برد.

در اینجا تلاش گردیده تا افزون بر مطالب درج شده در نگاه‌های پیشین، مواردی تاریخی از مصادیق جعل و انحراف ذکر شده و ریشه‌یابی تاریخی دقیق‌تری در آغاز این انحراف صورت پذیرد.

اول: مهدی موعود بودن عیسی بن مریم ×

اولین پدیدآورنده این تحریف در تاریخ اسلام، معاویه بن ابی سفیان است. در منابع تاریخی این گزارش را چنین نقل کرده‌اند:

روزی معاویه نزد بنی هاشم آمد و گفت، شما بنی هاشمیان می‌خواهید همان طور که استحقاق نبوت را داشتید لیاقت خلافت را نیز داشته باشید؛ در صورتی که نبوت با خلافت برای احدی جمع نشده‌اند ... شما گمان می‌کنید که دارای سلطنت هاشمی و مهدی قائم هستید در صورتی که مهدی، عیسی بن مریم است و امر خلافت در دست ما خواهد بود تا اینکه آن را به عیسی واگذاریم (ابن طابوس، ۱۴۱۶ ق: ۲۳۸، مجهول، بی تا، ۵۱؛ اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ۴۲۴).^۲

افرادی مانند سید محمد نوربخش (نوربخش، ۱۳۹۱ ش: ۳۷۰)، غلام احمد قادیانی (قادیانی، ۱۴۲۸ ق: ۱۱۷)، سلیمان ابوالقاسم موسی (<http://almseeh.webs.com/New/56.htm>) و احمد اسماعیل بصری (دیروای، ۱۴۳۱ ق: ۲۶۲) را می‌توان ادامه دهنده تحریف معاویه دانست که خود را عیسی بن مریم و

مهدی موعود نامیده‌اند. احمد اسماعیل بصری نیز که خود را یکی از مهدیون می‌دانست، مدعی گردید که همان شخص به قتل رسیده به جای حضرت عیسی × است؛ لذا مصداق روایت «لا مهدی الا عیسی» او بوده و مراد از «مهدی» در این روایت «مهدی اول» بوده که خود اوست (همان).

قدیمی‌ترین منابعی که همسانی عیسی بن مریم × و مهدی را نقل کرده‌اند الفتن نعیم بن حماد (۲۲۹ ق) (بن حماد، ۱۴۱۸ ق: ۲۵۳، ۲۶۵ و ۲۵۷)؛ مصنف ابن ابی شیبہ (۲۳۵ ق) (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ۵۱۳) و سنن ترمذی (۲۷۳ ق) می‌باشد (ترمذی، ۱۴۱۹ ق: ج ۵، ۵۰۴). محدثان و عالمان شیعی این نقل را معتبر ندانسته و در کتب خود ذکر نکرده‌اند. درستی این روایت میان بزرگان فریقین محل خدشه بوده و به عدم اعتبار آن تصریح شده است (ر.ک مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ ق: ۲۶، سیوطی، ۱۳۸۵ ش: ۱۷۵؛ کنجی شافعی، ۱۳۶۲ ش: ۵۰۷). به رغم تلاش برخی در بیان وجه الجمع برای روایت‌های اشاره‌کننده به حضرت مهدی × و مهدی بودن حضرت عیسی × (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ ق: ۲۹؛ سیوطی، ۱۳۸۵ ق، ۱۷۶)، برخی دیگر از عالمان اهل سنت، هشت اشکال به این روایت را متذکر شده‌اند (فقیه ایمانی، ۱۴۰۲ ق: ج ۳۷۶۲. برای تحلیل بیشتر ر.ک. منائی، معارف، ۱۳۹۴ ش: ۲۷).

دوم: مهدی از فرزندان عباس عمومی پیامبر خدا |

در برخی از گزارش‌های اهل سنت این عبارت ذکر شده که نسب حضرت مهدی # به عباس عمومی پیامبر خدا | می‌رسد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق: ج ۵۳، ۴۱۴؛ ابن حماد، ۱۴۱۸ ق، ۲۶۵) و از این رهگذر گمان شده که حضرت مهدی # از نسل پیامبر خدا | نیست. اگر چه دست جاعلان حدیث و تحریف‌کنندگان گزارش‌های متعددی را در این زمینه تدوین کرده است (ابن حجر، ۱۴۲۸ ق: ۳۲)، اما در مصادر شیعی چنین روایاتی وجود ندارد و حتی با توجه به مبانی اهل سنت نمی‌توان این نسبت را قبول کرد. شارحان حدیث در این زمینه ورود پیدا کرده و در نقد این دسته روایات دو نکته را متذکر شده‌اند (برای تفصیل بحث ر.ک. منائی، معارف، ۱۳۹۶ ش، ۱۲۷):

۱. ضعف سند این گزارش‌ها؛ چه اینکه در مورد گزارش «المهدی من ولد العباس عمی» ابن عساکر آن را حدیثی غریب دانسته (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق: ج ۵۳، ۴۱۴) و سیوطی روایت را جعلی می‌شمارد. (سیوطی، ۱۴۱۷ ق: ۳۲۲) و یا اینکه ذهبی، گزارش «منا المنصور، و منّا السّقّاح و المهدی» را از منکرهای حدیثی می‌داند (ذهبی، ۱۴۱۳ ق: ج ۴۳۶۱۰).

گزارش‌های تاریخی حاکی است که عباسیان با پوشش «اهل بیت» خیزش خود را آغاز کرده و آن را استمرار بخشیدند و سر انجام نیز پس از برپایی رسمی خلافت خود ادعا کردند که از «اهل بیت» هستند. آنان پس از رسیدن به حکومت نیز چنین القا کردند که حکومت عباسی همان حکومت موعود نبوی است. به سفاح، اولین خلیفه عباسی، لقب مهدی اطلاق می‌شد (مقریزی، ۱۴۲۰ ق: ج ۱۲، ۲۹۹؛ مسعودی، بی‌تا، ۲۹۲) و خود نیز در خطبه‌ای حکومتش را متصل به ظهور عیسی بن مریم × دانسته است (ابن الجوزی، ۱۴۱۲

ق: ج ۷، ۲۹۹). با این نگرش، منصور دوانیقی نام فرزند خود را مهدی گذاشت. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ ق: ج ۱۳، ۱۹۲؛ صادقی، ۱۳۹۲ ش: ۸۶) این اقدامات زمینه‌ای بود برای مشروعیت بخشیدن به خلافتی که چشم به راه آن بودند و آن‌ها برای شتاب در رسیدن به هدف خود روایت‌های زیادی جعل کردند.

۲. این روایت‌ها توان مقابله با روایت‌های معتبر و قطعی در باره نسب علوی و فاطمی حضرت مهدی# را ندارد. آن گونه که ابن حجر هیتمی می‌نویسد:

«و هذه كلها تنافي ما تقرر أولا من أنه من ذريته صلى الله عليه و سلم و من ولد فاطمة رضي الله عنها، لأنّ أحاديثه أكثر و أصح، بل قال بعض الأئمة الحفاظ: إن كونه من ذريته صلى الله عليه و سلم قد تواتر عنه صلى الله عليه و سلم (ابن حجر، ۱۴۲۸ ق: ۳۴)؛ این دسته روایات، یعنی روایات وارد شده در مورد عباسی بودن حضرت مهدی#، مخالف آن روایت‌هایی است که در ابتدا تقریر کردیم و بیان شد که حضرت مهدی# از نسل حضرت محمد | و فرزند حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است؛ چرا که احادیث آن زیاد و معتبر است، بلکه برخی از بزرگان حدیث گفته‌اند: اینکه حضرت مهدی# از نسل حضرت محمد | باشد روایت‌های متواتری به نقل از حضرت محمد | دارد.

سوم: مهدی از فرزندان عمر خلیفه دوم

عمر بن خطاب از جمله افرادی است که دیدگاه تحریف شده پیرامون آخرالزمان را در سخنان خود عنوان نموده است. وی پس از رحلت پیامبر خدا | عنوان نمود که او همانند انبیاء گذشته در غیبت رفته و نمرده است (طبری، ۱۳۸۷ ق: ج ۳، ۲۰۰). پس از او برخی طرفدارانش و نیز امویان دست به تحریف دیگری زده و عنوان نمودند که مهدی موعود و برپاکننده عدالت روی زمین، از فرزندان عمر بن خطاب است. ابن سعد در طبقات خود از عبدالله بن عمر نقل می‌کند: یکی از فرزندان عمر بن خطاب که در صورت او نشانه‌ای است دنیا را پر از عدل خواهد نمود (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق: ج ۵، ۲۵۴) همچنین نسب او از امویان و بنی عبد شمس است (همان، ۲۵۶) برخی از افراد گمان داشتند که مصداق این فرد بلال بن عبدالله بن عمر است که در چهره‌اش نشانه‌ای بود. اما پس از آمدن عمر بن عبدالعزیز، وی را مصداق این گزارش‌ها دانستند؛ چرا که فردی از خاندان اموی بوده و مادرش ام عاصم دختر عاصم بن عمر بن خطاب است (همان، ۲۵۴).

انگیزه جعل در این گزارش‌ها مشهود بوده و در منابع شیعی اثری از آنها یافت نمی‌گردد. از طرف دیگر و همان گونه که در مطالب گذشته اشاره گردید، این گزارش‌ها در تعارض با روایت‌های متعدد و معتبری است که مهدی موعود را از نسل حضرت زهرا- دانسته‌اند. افزون بر این، در منابع حدیثی اهل سنت و میان عالمان دینی آنها تصریح شده است که اطلاق لفظ «مهدی» به عمر بن عبدالعزیز به جهت انصاف او در حکومتداری بوده و قطعا او غیر از مهدی موعود است (ابن قیم، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ۱۵۰)؛ چرا که ویژگی‌های موعود پایانی مانند عدالت گسترده و جهانی (ابن نعیم، ۱۴۱۸ ق: ۲۵۲)، بخشش به گونه‌ای که مردم بی‌نیاز شوند (همان،

۲۵۱؛ بن حجاج، ۱۴۱۲ ق: ج ۴، ۲۲۳۴) و غلبه اسلام بر دیگر ادیان و عدل بر ظلم در او یافت نمی‌شود (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ ق: ۳۰ و ۶۰).

چهارم: نام مهدی موعود#، محمد بن عبدالله

عموم اهل سنت (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ ق: ۵) و زیدیه (الرسی، بی تا: ج ۲، ۱۱۱) اعتقاد دارند که نام مهدی موعود، محمد و نام پدرش عبدالله است. مستند آنها روایتی منقول از حضرت محمد است با این مضمون: «اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی؛ یعنی نام او نام من (محمد) و نام پدرش نام پدر من (عبدالله) است» (نعیم بن حماد، ۱۴۱۸ ق: ۲۵۸) این روایت از جمله گزارش‌هایی است که شیعیان آن را معتبر ندانسته و معتقدند عبارت «اسمه ابیه اسم ابی» از افزوده‌های فرق انحرافی است. پیشینه این عبارت و تمسک جریان‌های انحرافی چنین است:

۱. کیسانیه و طرفداران محمد ابن الحنفیه فرزند حضرت علی ×؛ طرفداران این فرد ادعا نمودند که محمد بن حنفیه مصداق این روایت است؛ چرا که حضرت علی × به نام «عبدالله» نیز خوانده شده و در واقع محمد فرزند ایشان را می‌توان «محمد بن عبدالله» دانست (مفید [الف]، ۱۴۱۳ ق: ۲۷۹).

۲. حکومت عباسی و تطبیق آن به مهدی عباسی که نام اصلی او محمد بن عبدالله است و عبدالله همان منصور عباسی است. در گزارشی به نقل از کتاب آغانی می‌خوانیم:

«وقتی منصور عباسی، قصد بیعت گرفتن برای فرزندش مهدی را داشت و پسر دیگر وی، جعفر، به این کار معترض بود، مردم را فراخواند و خطیبان و شاعران به ایراد سخن و به سرودن شعر در ستایش مهدی عباسی پرداختند؛ از جمله آنان مطیع بن ایاس بود که به منصور عباسی گفت: از رسول خدا حدیثی به من رسیده که: المهدی منّا محمد بن عبد الله و أمه من غیرنا، یملاها عدلا کما ملئت جورا؛ مهدی، که همان محمد بن عبد الله است از ماست و مادرش از غیر ما، که جهان را پر از عدل می‌کند، همچنان که پر از ستم شده است.

وی بعد از نقل این حدیث، به منصور روی کرد و گفت: برادرت عباس هم، بر این مسئله گواهی می‌دهد. منصور رو به عباس کرد و گفت: تو را قسم می‌دهم که آیا این حدیث را شنیده‌ای؟ گفت: آری؛ و این هم به خاطر ترس از منصور بود. آن‌گاه منصور عباسی دستور داد که مردم با مهدی بیعت کنند. وقتی مجلس تمام شد و کسی اطراف عباس بن محمد نبود این چنین گفت: آیا مشاهده نکردید که این کافر [مطیع بن ایاس] چگونه به خدای متعال و رسولش دروغ بست و مرا برای دروغ خود شاهد گرفت؟ من نیز ناچار و از ترس جان شهادت دروغ دادم (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ ق: ج ۱۳، ۱۹۲).

این نقل در راستای جعل گزارش‌های بنی عباس جهت اعتبارآفرینی برای قیام و حکومتشان بوده و به گواهی متن بالا و شهادت عباس بن محمد، برادر منصور عباسی، این سخن جعلی بوده و به طمع مال و ترس جان جعل شده است. ابن کثیر نیز در نقد این روایت چنین می‌گوید:

«تردیدی نیست که مهدی فرزند منصور، سومین خلیفه عباسی، آن مهدی‌ای نیست که روایت‌های متعدد در معرفی‌اش نقل شده است. و همانا مهدی موعود در آخرالزمان می‌آید و زمین را پر از عدل و قسط خواهد نمود.» (ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق: ج ۶، ص ۲۴۸)

دستبرد و تحریف دیگری که در این گزارش مشاهده می‌شود، ذکر صفتی برای مادر مهدی موعود است. این صفت به گونه‌ای جعل گردیده تا با ویژگی‌های مادر مهدی عباسی سازگار درآید؛ چرا که مادر وی، ام موسی دختر منصور بن عبدالله بن ذی‌سهم از فرزندان ذی‌رعین و از ملوک و پادشاهان حمیر است که اصالتاً یمنی هستند (مسعودی، ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۳۰۹).

۳. محمد بن عبدالله بن حسن معروف به نفس زکیه از فرزندان امام حسن مجتبی * و از علوی‌های مدینه. (ابن طقطقی، ۱۴۱۸ ق: ص ۱۶۴؛ نوبختی، ۱۴۰۴ ق: ۶۲)

یکی از رویدادهای مشهور تاریخ اسلام قیام محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب * علیه حکومت بنی‌عباس است که با کشته شدن او و جمعی از یارانش، قیام او در منطقه احجارالزیت مدینه سرکوب شد. پدرش عبدالله معروف به محض، بزرگ فرزندان امام مجتبی * در زمان خود بود که به دلیل مخالفت با منصور عباسی همراه گروهی از سادات بنی‌الحسن از مدینه به کوفه کوچ داده شدند و مدت‌ها در زندان خلیفه با سختی سپری کردند؛ به طوری که تعدادی از آنان در زندان جان سپرده یا کشته شدند.

ابوالفرج اصفهانی می‌گوید:

خانندان محمد او را مهدی می‌دانستند؛ ولی علمای آل ابی‌طالب معتقد بودند وی همان نفس زکیه‌ای است که در روایات وعده داده‌اند. ابن عنبه از پیش‌گویی رسول خدا | و امیر مؤمنان * درباره کشته شدن نفس زکیه در احجارالزیت مدینه خبر داده‌اند. ابن عنبه همچنین می‌گوید: در اینکه محمد در سال صدم هجری متولد شده اختلافی نیست. تصریح به این مطلب یا معارض آن در منابع دیگر یافت نشد. از گزارش‌های تاریخی استفاده می‌شود که ادعای مهدویت درباره وی همپای شهرت او به نفس زکیه وجود داشته است. نام محمد بن عبدالله و کنیه ابوالقاسم که البته کنیه اصلی وی نبوده است همچنین طهارت نفس، زهد، تقوا و علم او در انتساب دو عنوان مهدی و نفس زکیه به وی مؤثر بوده است. گرچه به نظر می‌رسد لقب نفس زکیه پس از عنوان مهدی به او داده شده باشد؛ یعنی پس از آن‌که هواداران یا سوءاستفاده‌گران، با شهادتش از مهدی بودنش نومید شدند، کشته شدن وی را یکی از نشانه‌های ظهور مهدی دانستند و مدعی شدند او نفس زکیه‌ای است که پیش از ظهور کشته

می‌شود نه اینکه خودش مهدی موعود باشد (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ص ۲۰۷؛ حسینی-ابن عنبه-، ۱۴۲۷ ق: ۹۵-۹۶؛ صادقی، ۱۳۸۵ ش: ۱۲۷).

۴. فرزند خلیفه مخلوع عباسی؛ نام کامل این فرد چنین است: ابوالحسن محمد فرزند عبدالله بن علی المستکفی بالله. این فرد پس از خلع پدرش (المستکفی بالله) از حکومت، به شام گریخته و نزد کافور اخشیدی پناهنده می‌شود. در آنجا تعدادی از هوادارانش او را ترغیب به بازپس‌گیری حکومت کرده و او را مصداق روایت فوق‌الذکر می‌خوانند. در نهایت عزالدوله بختیار ابن معزالدوله او را شکست داده و پس از بریدن قسمت‌هایی از اعضای بدن وی محبوسش می‌کند (صفدی، ۱۴۰۱ ق: ج ۳، ۳۱۳).

۵. محمد بن اسماعیل، نوه امام صادق[×]، و ادعای اسماعیلیان؛ در مطالب گذشته توضیح دادیم که نگرش پیشینی اسماعیلیان بر این بوده است که مهدی موعود همان «محمد بن اسماعیل» نوه امام صادق[×] است و او در غیبت به سر می‌برد. جعفر بن احمد بن هیشم، متوفای قرن چهارم، که از مبلغان فاطمیون اسماعیلی بوده گفتگوی خود را با (ابوعبدالله) یکی دیگر از سران اسماعیلی در مورد نسب و نام مهدی موعود چنین گزارش کرده است:

«به او گفتم: در روایات از پیامبر | منقول است که فرموده‌اند: اسم مهدی اسم من و نام پدرش نام پدر من است. گفت: منظور پیامبر | از پدرش، اسماعیل بن ابراهیم جدّ اوست که او را پدر خود خوانده است.» (ابن هیشم، ۱۳۸۸ ش، ۱۳۸)

نقد و بررسی

این روایت در منابع امامیه مورد استناد قرار نگرفته^۳ و امام صادق[×] در مقابله با این تفکر و جریان انحرافی تلاش کرده و علاوه بر نفی مهدویت از این شخص (ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ص ۱۸۶)، چگونگی مناظره با طرفدارانش را به شیعیان خود آموزش می‌داد. (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۹) افزون بر اینکه این روایت در منابع اهل سنت ضعیف شمرده شده (<http://www.valiasr.com/persian/shownews.php?idnews=4980>) و در میان علمای آنها نیز به گزارشی تمسک می‌شود که فقط عبارت «اسمه اسمی» در آن ذکر شده است (ترمذی، ۱۴۱۹ ق: ج ۴، ۲۴۵؛ بن حنبل، ۱۴۲۱ ق: ج ۶، ۴۲) و این عبارت را زائد در نقل می‌دانند.^۶ نشانه‌ای دیگر در اثبات سوء استفاده از این روایت در گرایش‌های فرقه‌ای، عبارتی است که طرفداران محمد بن عبدالله نفس زکیه اضافه نموده‌اند. با توجه به اینکه محمد بن عبدالله نفس زکیه دارای لکنت زبان بود (ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ص ۲۱۴) در برخی گزارش‌های جعلی پیرامون مهدی موعود این ویژگی به ایشان نسبت داده شده که دارای لکنت زبان هستند! (بن حماد، ۱۴۱۸ ق: ۲۵۸؛ ابوالفرج اصفهانی، همان، ۲۱۴).

نکته

احمد اسماعیل بصری نیز این روایت را محل سوء استفاده خود قرار داده و مدعی است که مراد از این مهدی که همانم با پیامبر خدا | بوده و نام پدرش نام پدر ایشان است، وی می‌باشد. روش استدلال این

مدعی باطل همان روش فاطمیون اسماعیلی است که برای اثبات مهدویت محمد بن اسماعیل به کار بردند (اسماعیل بصری، ۲۰۱۰ م: ۶۴).

سخن بدون دلیل او در حالی است که:

اولا: این روایت محل تردید شیعیان بوده و در هیچ یک از منابع شیعی اعتباری برای آن قائل نشده‌اند.

ثانیا: عنوان گردید که این گزارش مورد اتفاق عالمان اهل سنت نبوده و به صراحت اسناد آن مورد نقد قرار گرفته است و افرادی مانند ابن حبان برخی از گزارش‌های موجود را جعلی می‌دانند.

ثالثا: با توجه به روش ادعایی احمد بصری و طرفدارانش، که به هر روایتی حتی روایت‌های ضعیف اهل سنت برای اثبات ادعای خود تمسک می‌نمایند، روایت‌هایی در منابع اهل سنت وجود دارد که مصداق این «مهدی» را همان «مهدی موعود» دانسته‌اند؛ نه «مهدی» ای غیر از ایشان؛ به عبارت دیگر، روایت‌های مذکور در منابع اهل سنت به فردی جز حضرت حجت # انطباق ندارد. صاحب کتاب عقدا لدرر روایتی را چنین نقل نموده است:

«ألا فهو أشبه خلق الله عزّ وجلّ برسول الله صلى الله عليه وسلم، و اسمه علي اسمه، و اسم أبيه علي اسم أبيه، من ولد فاطمة ابنة محمد صلى الله عليه وسلم، من ولد الحسين، ... ثم قال عليه السلام: فيجمع الله عزّ وجلّ أصحابه علي عدد أهل بدر، و علي عدد أصحاب طالوت، ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ ق: ۱۳۲)؛

همانا مهدی موعود شبیه‌ترین مردم به رسول خدا | است. نامش نام رسول خدا | و نام پدرش نام پدر ایشان می‌باشد. او از فرزندان حضرت فاطمه ÷ و امام حسین × خواهد بود... سپس علی × فرمود: پس خدا برای او یارانی به عدد اصحاب بدر و اصحاب طالوت، که سیصد و سیزده نفر بودند گرد خواهد آورد.»

با توجه به اینکه احمد بن اسماعیل بصری خود را جزو سیصد و سیزده نفر یاران حضرت مهدی # می‌داند، در اینجا مراد از مهدی #، حضرت حجت فرزند امام عسکری # می‌باشد و تطبیق این روایت به احمد بن اسماعیل باطل است. این گزارش بیان‌گر این است که اضافه‌کنندگان عبارت «اسم ابیه اسم ابی»، مرادشان تحریف در نام پدر مهدی موعود بوده است نه فردی غیر از ایشان.

رابعا: این پرسش باقی است که از کجا می‌گویید نام پدر «اسماعیل» مراد است نه «عبدالله»؛ و اگر بنا بر نظر اهل سنت آن را عبدالله بدانیم عدم تطبیق بر احمد اسماعیل بصری آشکارتر می‌شود.

پنجم: نام موعود علی محمد است.

فرقه بابیه و بهائیه برای اثبات قائم و موعود بودن علی محمد شیرازی به دو گزارش استناد نموده که یکی جعلی و دیگری تحریف روایتی منقول است.

الف) اسم‌ه اسم علی و انا تحت رجليه

در نوشته‌ای از بهائیان این گزارش را دال بر معرفی علی محمد شیرازی به عنوان مهدی موعود وقائم دانسته‌اند. در حالی که این گزارش در هیچ منبع روایی وجود ندارد و با جستجوی نگارنده حتی در منابع مهم و مورد اعتنای بهائیان نیز یافت نشد. گزارش استناد و نقد آن را آیت‌الله احمد شاهرودی (۱۳۵۰ ق) در کتاب حق المبین خود چنین آورده است:

«و بعد ذلک آنچه به دست آمده از ادله این طایفه امور چندی است یکی از آنها حدیثی است که در دلائل^۷ از برای تعیین اسم موعود تمسک می‌جوید می‌گوید: «فی فوائد المخلصین عن النبی ا اسم‌ه اسم علی و انا تحت رجليه» و غرضش آن است که ضمیر اسم به موعود برمی‌گردد و مراد به «أنا تحت رجليه» آن است که اسم من بعد از اسم علی واقع خواهد بود؛ یعنی علی محمد. می‌گویم بعد از اغماض از حال کتاب و مؤلف آن و اینکه راوی خبر کیست؛ ابوهربیره است یا مثل آن و بعد از اغماض از آنکه ضمیر «اسمه» به که برمی‌گردد و آیا در مقام ذم اوست که یعنی پامال‌کننده دین من است یا مدح او، یا اهل الانصاف آیا در لسان هیچ عاقلی متکلمی دیده‌اید که در مقامی بخواهد تعبیر از اسم کسی نماید؛ مثل آنکه کسی بگوید اسمش محمدحسن یا محمدابراهیم است بگوید اسم فلان اسم من است و حسن و ابراهیم زیر پای اوست و آیا هیچ عجمی الکنی را دیده‌اید که چنین تعبیر خنک نامربوطی را تا حال کرده باشد، تا آنکه صدور چنین کلامی نسبت به معدن فصاحت و منبع بلاغت داده شود؛ انصاف آن است که به علاوه ضعف سند، خود نفس خبر کذب اثر شاهد صادقی است بر جعل و اختراع آن و نبودن آن از پیغمبر |» (شاهرودی، ۱۳۹۲ ش: ۱۴۷).

ب) مهدی موعود دو اسم دارد؟

بهائیان ادعا دارند که در روایتی از کتاب کشف الغمبه به نام علی محمد شیرازی استناد شده است؛ چرا که در روایت چنین آمده است: «هو ذوالاسمین الاعلیین ... و مقصودشان که قائم صاحب دو اسم است؛ چنانچه علی محمد دو اسم داشته: علی و محمد» (همان). روایت مورد استناد بهائیان به دو گونه در منابع شیعی ذکر شده است:

۱. گزارش شیخ طوسی در کتاب امالی

«و مُحَمَّدٌ الْهَادِي إِلَى سَبِيلِي... يَخْرُجُ مِنْهُ ذُو الْأَسْمَيْنِ عَلِي، وَ الْخَلْفَ مُحَمَّدٌ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ... وَ هُوَ الْمَهْدِي مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا» (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۲۹۲؛ طبری آملی، ۱۳۸۵ ق: ج ۲، ۱۸۴)؛ و محمد [بن علی جواد] که هدایت‌کننده به سوی راه من است... از او صاحب دو اسم متولد می‌شود که نامش علی است. [اینجا نام امام حسن عسکری × از قلم افتاده است] و جانشین [امام قبل]، محمد است که در آخرالزمان می‌آید و بر بالای سرش ابری است.

۲. گزارش مرحوم اربلی در کشف الغمه

«وَيَكْنَى بِأَبِي الْقَاسِمِ وَهُوَ ذُو الْإِسْمَيْنِ خَلْفٌ وَ مُحَمَّدٌ يَطْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ تُظِلُّهُ مِنَ الشَّمْسِ تَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ يَنَادَى بِصَوْتٍ فَصِيحٍ هَذَا الْمَهْدِيُّ» (اربلی، ۱۳۸۱ ق: ج ۲، ۴۷۵)؛ کنیه او ابوالقاسم است و او دارای دو اسم است؛ يك اسمش خلف و اسم دیگرش محمد است. در آخر الزمان، در حالی که بر سر او ابری سفید سایه افکنده خروج می‌کند؛ به زبانی هویدا که جن و انس و مردم مشرق و مغرب بشنوند ندا کند: این مهدی موعود از آل محمد است.

«حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الطُّوسِي حَدَّثَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَدِي قَالَ يَقَالُ كُنِيَةُ الْخَلْفِ الصَّالِحِ أَبُو الْقَاسِمِ وَهُوَ ذُو الْإِسْمَيْنِ» (همان)؛ کنیه جانشین صالح الهی ابوالقاسم است و او دو نام دارد.

نقد

در گزارش اول از شیخ طوسی به صراحت این عنوان برای امام هادی × به کار رفته است و هیچ ارتباطی با قائم و موعود ندارد. در گزارش دوم نیز، فارغ از بحث‌های سندی و دلالی، با توجه به قرائنی مانند «پر شدن زمین از عدل» و کنیه «ابوالقاسم» بر وجود مقدس حضرت مهدی # دلالت کامل و آشکار دارد. مراد از دو اسم نیز «خلف»^۱ و «محمد» است؛ نه اینکه خلف به معنای جانشین حضرت محمد ا بوده و مصداق آن نام «علی» باشد. افزون بر مطالب گذشته، عبارت «ذوالاسمین» به معنای «دارای دو اسم مستقل» است و معنای آن بر خلاف نظر بهائیان «فردی دارای اسمی مرکب از دو اسم» نیست.

نتیجه

از مجموع گزارش‌ها و روایت‌های شیعه و اهل سنت چنین به دست می‌آید که مهدی موعود # فردی با نام «محمد» و از ذریه حضرت زهرا ÷ است. از این رهگذر ادعای برخی از جریان‌های انحرافی مبنی بر تطبیق حضرت عیسی بن مریم × بر مهدی موعود # و یا انتساب او به نسل عمر بن خطاب سخنی واهی و بدون دلیل است و گزارش‌های مرتبط با آن در کتب اهل سنت جعلی است. ادعای زیدیه و اهل سنت در همنامی پدر مهدی موعود # با نام پدر حضرت محمد ا سخنی حشو است. همچنین ادعای بهائیان در نام‌گذاری قائم به «علی محمد» و تطبیق آن بر علی محمد شیرازی از سخنانی است که هیچ مستند، حتی جعلی، کهنی نداشته و از موارد ساخته شده توسط بهائیان است.

پی‌نوشت‌ها

۱. تعدادی از اهل سنت موافق عقاید شیعه سخن گفته‌اند مانند: محمد بن یوسف بن محمد گنجی الشافعی (۶۵۸ ق). اما تعدادی دیگر از اهل سنت معتقدند حضرت مهدی # از نسل امام حسن مجتبیٰ × بوده و نام پدرش عبدالله است (ر.ک. کنجی شافعی، ۱۳۶۲، ۴۸۳، عبداللهی، ۱۳۸۶، ۵۰۱؛ اکبرنژاد، ۱۳۸۸: ۲۲۵).
 ۲. مرحوم سید بن طاوس در کتاب التشریف بالمنن، منبع خود را کتاب (عیون اخبار بنی هاشم) تألیف طبری مورخ معروف اهل سنت ذکر کرده است و در ابتدای نقل خود می‌گوید: «فذكر أبو جعفر محمد بن جریر الطبری صاحب التاریخ، و هو من علماء الجمهور، و قد ذكرت ثناءهم علیه فی کتاب الأنوار الباهرة، فقال فی کتاب عیون أخبار بنی هاشم و قد صنفه للوزیر علی بن عیسی بن الجراح وجدته و رویته من نسخة عتیقة ظاهر حالها أنها كتبت فی حیاته. در مورد این کتاب ر.ک. کلبگ، ۱۳۷۱، ص: ۲۸۹.
 ۳. اگر چه این روایت در کتاب الغیبة شیخ طوسی ص ۱۸۱ ذکر شده، اما باید توجه نمود که شیخ طوسی روایت را با همان سند اهل سنت و برای استفاده علیه دیدگاه واقفیه ذکر نموده است.
 ۴. به عنوان نمونه ابن جوزی در مورد سند یکی از این روایات، آن را غیر معتبر دانسته و به نقل از ابن حبان آن را از جعلیات و دروغ‌های عبد الله بن سری می‌داند؛ ابن الجوزی، ۱۳۶۶ ق، ج ۲ ص ۳۲۲ باب فضل انطاکیه ح ۸۸۹.
 ۵. ترمذی به صراحت روایت را بدون عبارت اضافه «و اسم ابیه اسم ابی» ذکر کرده است و می‌گوید: «حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ أَنْبَاطٍ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُرَشِيُّ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ بَهْدَلَةَ، عَنْ زُرِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَواطِئُ اسْمُهُ اسْمِي». قَالَ أَبُو عِيْسَى: وَ فِي الْبَابِ عَنْ عَلِيٍّ وَ أَبِي سَعِيدٍ وَ أُمِّ سَلَمَةَ وَ أَبِي هُرَيْرَةَ. وَ هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ؛ اما عجیب این است که ذهبی در کتاب تاریخ الإسلام، ج ۱۰، ص: ۴۳۶ روایت را با اضافه مذکور به سنن ترمذی نسبت داده و عبارتش به گونه‌ای است که گویا ترمذی این روایت را با اضافه‌اش نقل نموده و معتبر دانسته است. ذهبی در کتاب خود به اشتباه چنین گفته است: «و خَرَجَ أَبُو داوود و الترمذی من حدیث عاصم بن بهدلة، عن زُرِّ، عن ابن مسعود، مرفوعاً: «المهدی یواطئ اسمه اسمی، و اسم ابیه اسم ابی» صححه الترمذی.»
 ۶. جهت دیدن بحثی مفصل ر.ک.
- الزمان #، ص ۴۸۳.
۷. مراد آیت الله شاهرودی کتاب دلائل العرفان تألیف نویسنده‌ای بهائی با نام حیدرعلی اصفهانی است.
 ۸. عبارت «الخلف الصالح» در وجود مبارک حضرت مهدی # انصراف دارد؛ ر.ک صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۳۴؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۷۹؛ طبرسی، ۱۳۹۵: ۴۱۸، اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۷۵.

كتابتنا

كتابها

١. ابن بابويه، محمد بن علي (١٣٩٥ ق) *كمال الدين وتمام النعمة*، علي أكبر غفاري، تهران، اسلاميه، ٢ جلد، چاپ دوم.
٢. ابن كثير، اسماعيل (١٤٠٧/١٩٨٦) *البداية والنهاية*، بيروت، دارالفكر.
٣. ابن أبي زينب، محمد بن ابراهيم (١٣٩٧ ق) *الغيبية*، محقق علي أكبر غفاري، تهران، صدوق، چاپ اول.
٤. ابن الطقطقي، محمد بن علي بن طباطبا (١٤١٨ ق)، *الفخرى في الآداب السلطانية و الدول الإسلامية*، بيروت، دارالقلم العربي، اول.
٥. ابن حجر، احمد (١٤٢٨ ق) *القول المختصر في علامات المهدي المنتظر*، دمشق، دارالتقوى، اول.
٦. ابن حماد، نعيم (١٤١٨ ق) *الفتن*، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول.
٧. ابن حنبل، احمد بن محمد (١٤٢١ ق)، *مسند*، بيروت، مؤسسة الرسالة، اول.
٨. ابن الجوزي، أبو الفرج عبدالرحمن بن علي (١٤١٢ ق)، *المنتظم في تاريخ الأمم والملوك*، بيروت، دارالكتب العلمية، ط الأولى.
٩. ابن الجوزي، أبو الفرج عبدالرحمن بن علي (١٣٨٦ ق)، *الموضوعات*، مدينه، المكتبة السلفية.
١٠. ابن سعد، محمد (١٤١٠/١٩٩٠) *الطبقات الكبرى*، بيروت، دارالكتب العلمية، ط الأولى.
١١. ابن طاوس، علي بن موسى (١٤١٦ ق)، *التشريف بالمنز في التعريف بالفتن*، بي جا، مؤسسه صاحب الامر.
١٢. ابن عساکر، علي بن الحسن (١٤١٥ ق)، *تاريخ مدينة دمشق*، بيروت، دارالفكر.
١٣. ابن قيم الجوزيه، محمد بن أبي بكر (١٤٠٣ ق)، *المنار المنيف في الصحيح والضعيف*، حلب، مكتب المطبوعات الإسلامية.
١٤. ابن هيثم، جعفر بن محمد (١٣٨٨ ش)، *المناظرات*، قم، دانشگاه ادیان.
١٥. ابو الفرج الأصفهاني، علي بن الحسين (بي تا) *مقاتل الطالبين*، بيروت، دارالمعرفة.
١٦. اصفهاني، ابوالفرج علي بن الحسين (١٤١٥ ق) *الآغانى*، بيروت، دارالاحياء التراث العربي، اول.
١٧. ابى شيبه، عبدالله (١٤٠٩ ق) *المصنف*، رياض، مكتبة الرشد.
١٨. اربلى، علي بن عيسى، ١٣٨١ ق. *كشف الغمة*، تبريز، بنى هاشمى، اول.
١٩. حسيني، جمال الدين احمد بن عنه (١٤١٧ ق) *عمدة الطالب في انساب آل ابى طالب*، قم، مؤسسه انصارىان.
٢٠. اسماعيل بصرى، احمد (٢٠١٠ م) *الوصية المقدسة*، انتشارات انصار احمد اسماعيل.
٢١. اصفهاني، ابوالفرج علي بن الحسين (١٤١٥ ق) *الآغانى*، بيروت، دارالاحياء التراث العربي، اول.
٢٢. بن حجاج، مسلم، ١٤١٢ ق. *صحيح مسلم*، مصر، دارالحديث.
٢٣. ترمذى، محمد بن عيسى (١٤١٩ ق) *الجامع الصحيح وهو سنن الترمذى*، مصر، دارالحديث.
٢٤. خزاز رازى، علي بن محمد (١٤٠١ ق)، *كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر*، قم، بيدار.
٢٥. ديراوى، عبدالرزاق (١٤٣١ ق).. *شبيه عيسى أو من هو مصلوب*، انتشارات احمد اسماعيل، اول.
٢٦. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد (١٤١٣ ق)، *تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير و الأعلام*، بيروت، دارالكتاب العربى، چاپ دوم.
٢٧. سيوطى، جلال الدين، (١٤١٧ ق)، *تاريخ الخلفاء*، سوريه، دارالبشائر.
٢٨. سيوطى، عبدالرحمن (١٣٨٥ ش)، *العرف الوردى في اخبار المهدي*، مجمع تقريب مذاهب، اول.

۲۹. شاه‌رودی، احمد (۱۳۹۲ ش) *حق‌المبین*، تهران، امیرکبیر.
۳۰. صادقی، سید جعفر (۱۳۹۲ ش)، *پژوهشی در زمینه جعل و تحریف روایات مهدوی*، قم، موسسه چاپ اسراء (مؤلف).
۳۱. صادقی، مصطفی (۱۳۸۵ ش)، *تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۳۲. صفدی، خلیل بن ایبک (۱۴۰۱ ق)، *الوافی بالوفیات*، بیروت، دارالنشر، چاپ دوم.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ ق)، *اعلام‌الوری*، تهران، اسلامیة، چاپ سوم.
۳۴. طبری آملی، عمادالدین (۱۳۸۳ ق)، *بشارة المصطفی*، نجف، مکتبه الحیدریة، چاپ دوم.
۳۵. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، (۱۳۸۷ ق)، *تاریخ الأمم والملوک*، بیروت، دارالتراث، چاپ دوم.
۳۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق)، *الأمالی*، قم، دار الثقافة، چاپ اول.
۳۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ ق)، *کتاب‌الغیبة*، قم، دار المعارف الاسلامیة. چاپ اول.
۳۸. عبداللهی، عبدالکریم (۱۳۸۶ ش)، *طبقات راویان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت*، مشهد، آستان قدس رضوی، دوم.
۳۹. فقیه ایمانی، مهدی (۱۴۰۲ ق)، *الإمام‌المهدی # عند أهل السنة*، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمومنین *.
۴۰. قادیانی، غلام احمد (۲۰۰۷ م) *باقة من بستان‌المهدی*، اسلام آباد پاکستان، الشركة الاسلامیة.
۴۱. کلبرگ، اتان (۱۳۷۱ ش) *کتابخانه ابن طاوس و آثار و احوال او*، قم، آیت‌الله مرعشی، چاپ اول.
۴۲. کنجی شافعی، محمد بن یوسف (۱۳۶۲ ش)، *البيان فی اخبار صاحب‌الزمان*، تهران، داراحیاء التراث، چاپ دوم.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۴۴. مجهول (بی‌تا)، *اخبارالدولة العباسیة*، تحقیق عبدالعزیزالدوری، عبدالجبارالمطلبی، بیروت، دارالطلیعة.
۴۵. مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹ ق)، *مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر*، قم، دارالهجرة، چاپ دوم.
۴۶. مسعودی، علی بن الحسین (بی‌تا)، *التنبیه والاشراف*، قاهره، دارالصاوی.
۴۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، *الفصول المختارة*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۴۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق)، *الارشاد فی معرفة حجج‌الله علی‌العباد*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۴۹. المقریزی، تقی‌الدین أحمد بن علی (۱۴۲۰ ق)، *إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ط الأولى.
۵۰. مقدسی شافعی (۱۴۰۴ ق)، یوسف، *عقد‌الدرر فی اخبار‌المنتظر*، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم.
۵۱. نوبختی، حسن بن موسی (بی‌تا)، *فرق‌الشیعة*، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم.
۵۲. نوربخش، سید محمد (۱۳۹۱ ش)، *رسالة‌الهدی*، به کوشش رسول جعفریان، مهدیان دروغین، تهران، نشر علم، اول.
۵۳. اکبر نژاد، مهدی (۱۳۸۸ ش)، *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، قم، بوستان کتاب.

مقالات

۵۴. منایی فرشاد، معارف، مجید (۱۳۹۴ ش)، *بررسی سندی فقه‌الحدیثی روایت «لا مهدی الا عیسی بن مریم» در منابع روایی اهل سنت*، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فهم حدیث، سال دوم، ش اول، قزوین، دانشگاه امام خمینی &.
۵۵. منایی، فرشاد (۱۳۹۶ ش)، *بررسی فقه‌الحدیثی احادیث دلالت‌کننده بر انتساب مهدی موعود # به عباس بن عبدالمطلب در منابع روایی اهل سنت*، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، ش ۴۳، قم، موسسه آینده روشن.
۵۶. شهبازیان، محمد (۱۳۹۱ ش)، *واکاوی در هویت و زندگی مادر امام زمان # فصلنامه انتظار موعود*، سال دوازدهم ش

۳۷، ص ۱۱۳، قم، مرکز تخصصی مهدویت.

سایت

57. www.almseeh.webs.com